



Extracting the Principles and Methods of Mahdavi Education and Explaining its Characteristics in Educational Centers

Mina Karimi *

^{1*} Department of Educational Sciences, Khod.C., Islamic Azad University, Khodabandeh, Iran

Abstract

One of the most effective areas affecting the educational system of Shiite communities is the benefit of the doctrine of waiting, as one of the fundamental and main doctrines that can influence the guidance and growth of the scientific community. The aim of this study is to extract the principles and methods of Mahdavi education and explain its characteristics in educational and training centers. The qualitative research method is phenomenological. The participants of the study were eight faculty members of the Islamic Azad University of Zanjan Province with academic majors related to educational sciences, who were selected using purposive sampling. To collect data, a semi-structured individual interview method was used until theoretical saturation was reached. The obtained data were analyzed using thematic coding method and the findings were organized in the form of open, axial, and selected codes. The findings from the faculty members' experiences were identified in two main and general themes (principles of Mahdavi education and training and methods of Mahdavi education and training) and 15 subcategories (principle of monotheism, principle of reason, principle of dignity, principle of moderation, principle of learner-centeredness, principle of love-centeredness, principle of supervision and imitative education method, inductive education method, gradual education method, indirect education method, model education method, practical education method and test and trial method). Next, the researcher extracted and collected the characteristics of each sub-theme by using the method of studying and examining the text and works of primary and secondary sources regarding education and guidance.

Keywords

Educational methods, educational principles, Mahdavi education, educational centers

Received
2025/03/25


Accepted
2025/04/19

* Corresponding
author:
minakarimi@
iau.ac.ir

Copyright © 2025, Author(s). This is an open-access article published by Islamic Azad University, Sar.C. under the terms of the Creative Commons Attribution-CC BY 4.0 License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>) which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.

Citation: Karimi, M. (2025). Extracting the Principles and Methods of Mahdavi Education and Explaining its Characteristics in Educational Centers. *Qualitative Research in Educational Sciences*, 1(2), 63-90. <https://doi.org/10.71839/QRES.2025.1202707>

استخراج اصول و روش‌های تعلیم و تربیت مهدوی و تبیین ویژگی‌های آن در مراکز آموزشی و پرورشی

مینا کریمی *

^{۱۵} گروه علوم تربیتی، واحد خدابنده، دانشگاه آزاد اسلامی، خدابنده، ایران

چکیده

یکی از کارآمدترین حوزه‌های تأثیرگذار بر نظام آموزشی و پرورشی جوامع شیعی، بهره‌مندی از آموزه انتظار، به عنوان یکی از آموزه‌های اعتقادی و اصلی بنیادین است که می‌تواند بر هدایت و رشد جامعه علمی تأثیرگذار باشد. هدف پژوهش حاضر استخراج اصول و روش‌های تربیت مهدوی و تبیین ویژگی‌های آن در مراکز آموزشی و پرورشی می‌باشد. روش پژوهش کیفی از نوع پدیدارشناسی بوده و مشارکت کنندگان پژوهش، هشت نفر از اعضای هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی استان زنجان با گرایش‌های تحصیلی مرتبط با علوم تربیتی بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از روش مصاحبه فردی نیمه ساختاریافته تا رسیدن به حد اشباع نظری استفاده شد. داده‌های بدست آمده با استفاده از روش کدگذاری موضوعی مورد تحلیل قرار گرفت و یافته‌ها در قالب کدهای باز، محوری و منتخب سازمان‌دهی شد. یافته‌های حاصل از تجارب استادان در دو مضمون اصلی و کلی (اصول تعلیم و تربیت مهدوی و روش‌های تعلیم و تربیت مهدوی) و ۱۵ مقوله فرعی (اصل توحید محوری، اصل تعقل، اصل عزت، اصل اعتدال، اصل متربی محوری، اصل محبت محوری، اصل نظارت مداری و روش تربیت تقلیدی، روش تربیت تلقینی، روش تربیت تدریجی، روش تربیت غیرمستقیم، روش تربیت الگویی، روش تربیت عملی و روش ابتلا و امتحان) شناسایی گردید. در ادامه، پژوهشگر ویژگی‌های هر مضمون فرعی را با به کارگیری روش بررسی متون و آثار تألیفی منابع اولیه و ثانویه در خصوص تربیت و مهدویت استخراج و گردآوری کرد.

واژگان کلیدی

روش‌های تربیتی، اصول تربیتی، تربیت مهدوی، مراکز آموزشی و پرورشی

تاریخ دریافت
۱۴۰۴/۰۱/۰۵

تاریخ پذیرش
۱۴۰۴/۰۱/۳۰

* نویسنده مسؤؤل
minakarimi@
iau.ac.ir

حق تألیف برای مؤلفان محفوظ است. این مقاله با دسترسی آزاد، توسط دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری و تحت مجوز کپی‌تیبو (http://creativecommons.org/licenses/by/4.0) منتشر شده است که طبق مفاد آن هرگونه استفاده، تنها در صورتی مجاز است که به اثر اصلی به نحو مقتضی استناد و ارجاع داده شده باشد.

مقدمه

نظام‌های آموزشی در جهان، وامدار نگرش‌ها و بنیان‌های نظری هستند که به عنوان پایه و اساس محرک و جهت دهنده نظام‌های علمی و تربیتی است. در کشور ما به عنوان نظام اسلامی و شیعی، یکی از آموزه‌های مهم و بنیادین، باور به مهدویت و وجود آموزه انتظار است که بر ابعاد زندگی فردی و اجتماعی افراد، تأثیر بسزایی دارد. این تأثیرگذاری در حیطه‌های مختلف قابل ارزیابی است. یکی از مهم‌ترین حیطه‌های تأثیرگذار بر این مقوله، فضای تعلیم و تربیت است. همان‌طور که در نظام اسلامی، فضای تعلیم و تعلم باید از آموزه‌های مهدویت متأثر باشد؛ فراهم کردن بسترهای لازم برای ظهور امام زمان (عج) باید جزء اهداف اصلی تعلیم و تربیت اسلامی به حساب آید (آقاتهرانی و همکاران، ۱۳۹۱، ۱۶۲). آموزش و پرورش به موازات اهداف و غایات تربیتی و پرورشی‌اش، رسالت عظیم و سنگینی در عصر ظهور بر عهده دارد. به عبارت بهتر، آموزش و پرورش، به خصوص نظام تعلیم و تربیت اسلامی بر اساس وظایف و تعهداتش وظیفه دارد انسان‌هایی اندیشمند، آزاد اندیش و پویا و متصف به اوصاف الهی تربیت کنند، انسان‌هایی که به واسطه برخورداری از محکم‌ترین و مطلوب‌ترین مؤلفه‌های تربیتی بتوانند جامعه را در مسیر رشد و کمال رهنمون گردانند و در نهایت، آن را برای دوران ظهور غنی و آماده سازند.

امروزه، این نتیجه حاصل شده که بدون دین و معرفت دینی و در حقیقت، بدون تربیت دینی، آن هم از نوع مهدوی گونه‌اش نمی‌توان جوامع بشری را رو به سعادت و تکامل هدایت کرد. با توجه به روبه‌رو شدن با هنگامه‌ای از انواع و اقسام فن‌آوری‌های شگفت‌انگیز و مدرن و غرق شدن انسان‌ها در گرداب این همه پیشرفت‌های عجیب و غریب، بر همگان ثابت شده که تنها راه برون رفت از این بحران‌های پیچیده بشری، دین و دینداری است. غایت اصلی تعلیم و تربیت، پرورش انسان‌های اندیشمند، آزاد، پویا و متخلق به اوصاف زرین الهی است. حال که این غایت اساسی تعلیم و تربیت بیش از پیش در معرض بحران‌های انسانی و ماشینی است باید از باب تربیت دینی متصل به تربیت مهدوی وارد شد و معنویت‌گرایی و دینداری نسل آینده را تقویت و تثبیت نمود تا آنان خود را از هر نظر آماده عصر ظهور نمایند و نسبت به فلسفه زندگی و امامت حضرت ولیعصر (عج) نگرش عمیق‌تری بیابند (انصاری و قلمکاریان، ۱۴۰۱، ۱۳۴). مسأله تعلیم و تعلم آن قدر حائز اهمیت است که یکی از مهم‌ترین رسالت‌های پیامبران و اولیای الهی نیز پرداختن به این امر، به منظور تزکیه و

تربیت نفوس قلمداد شده است. در واقع در نظام آموزش اسلامی، دانش باید ابزاری برای رسیدن به رشد و در نهایت قرب الهی باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ۱۰۱).

یافته‌های پژوهش‌ها نشان می‌دهند تقریباً بین ۱۲ تا ۱۸ سال از زندگی یک فرد ایرانی اعم از دختر و پسر، در نظام آموزشی سپری می‌شود؛ یعنی با شاخص متوسط عمر یک فرد ایرانی (هفتاد سال)، حدود ۲۵٪ عمر مفید در نظام آموزشی سپری می‌گردد؛ حال آن که وضعیت فعلی گویای آن است که از ظرفیت موجود، چندان استفاده نشده و در برخی از موارد، اقدامات صورت گرفته، کافی و قانع کننده نبوده است (سرمدی و همکاران، ۱۳۹۲، ۵۴). در حالی که اگر متصدیان و متولیان امر آموزش، به ویژه مربیان، معلمان و مدرسان از ظرفیت موجود بهره کافی را ببرند، می‌توانند اهداف مهم آموزشی و تربیتی را در ابعاد مختلف پیشی، گرایشی و رفتاری دنبال کنند و از این طریق زمینه‌های شکل‌گیری معرفت، گرایش و در نهایت رفتارهای اخلاقی همخوان با جامعه ظهور را فراهم کنند. از همین روست که نظام آموزشی در نظام اسلامی، در بخش‌های مختلف باید در جهت تقویت رویکرد مهدی باوری و مهدی یآوری، بازمهندسی شده تا شاهد خروجی‌های متناسب و مطلوب از این نظام باشیم. به گواهی مستندات متعدد و مدارک معتبر، تلاش علمی و دقیق برای دینی ساختن علوم انسانی به ویژه دانش تربیت، از مباحث مهم فراروی اندیشمندان مسلمان به شمار می‌آید (هاشمی شهیدی، ۱۳۸۴، ۱۸۷). علاوه بر این و به صورت خاص، استقرار نظام تعلیم تربیت مهدوی از اهمیت راهبردی و سرنوشت ساز در مکتب اسلام برخوردار است و از همین رو، گروه‌های مختلفی از قبیل خانواده، نظام آموزشی، رسانه‌ها و جامعه برای همراهی در اجرای این تعهد مشترک به همکاری دعوت شده‌اند (قاسمی نژاد و لک‌زایی، ۱۳۸۹، ۱۲۹).

در نظام اسلامی کشورمان نیز پرداختن به تعلیم و تربیت اعضای جامعه اسلامی، اعم از کودکان، نوجوانان و جوانان، بر اساس ذخیره‌های ارزشمند مکتب تشیع و به ویژه آرمان انتظار و مهدویت، مسأله‌ای کلیدی به شمار می‌آید و تلاش برای تحقق نظام آموزشی و پرورشی متناسب با مختصات حیات طیبه دینی، همواره از دغدغه‌های مسؤولان ارشد نظام بوده است (بقایی و همکاران، ۱۳۹۲، ۱۶۵). اهمیت و حساسیت نظام تعلیم و تربیت مهدوی برای جامعه کنونی ما از آنجا مضاعف می‌شود که امید می‌رود از طریق شناسایی مبانی تعلیم و تربیت مهدوی، اصول و روش‌های آن بتوان موجی

از اندیشه‌های معنوی و انسان‌ساز اسلامی را به ساختارها و ارکان جامعه مدرن امروزی، از جمله سازمان‌ها و دانشگاه‌ها و مدارس و رسانه‌ها تزریق کرد (فروزنده دهکردی و همکاران، ۱۳۹۰، ۱۰۷). در رابطه با چگونگی آموزش مفاهیم دینی و مهدوی به کودکان و نوجوانان اختلاف نظرهایی وجود دارد. گروهی معتقدند پیش از بلوغ نباید به کودک آموزش داد و گروهی عکس این نظر را معتقدند. از نظر اسلام، به ویژه بر اساس سیره و رهنمودهای معصومان علیهم‌السلام، آموزش مفاهیم معنوی از هنگام تولد شروع می‌شود و آموزش در دوره کودکی پایه و اساس در دوره‌های دیگر است. از طرفی، آموزش صحیح و مؤثر بدون در نظر گرفتن توانایی ذهنی کودک و نوجوان مطلوب نیست و ممکن است انسان را نسبت به یادگیری دلسرد و یا در یادگیری او اختلال ایجاد نماید. از این رو، آموزش مفاهیم دینی به کودکان گرچه امری بسیار مقدس و والا است، اما موفقیت در آن، در گرو آگاهی و شناخت اصول و روش‌های آموزشی متناسب با آن است. به فرموده امیرالمؤمنین علیه‌السلام هیچ حرکتی نیست مگر این که انسان در به انجام رساندن آن نیاز به شناخت و آگاهی دارد: «ما من حركة الا وانت محتاج فيها الى معرفة». آموزش مفاهیم مهدوی نیز مانند هر علم دیگری نیاز به شناسایی و به کارگیری اصول و روش‌های صحیح، کارآمد و مؤثر دارد. بدین ترتیب، اگر آموزش این مفاهیم کودکان بدون توجه به اصول و روش‌های صحیح آموزشی انجام پذیرد، مصداق این سخن امام صادق علیه‌السلام خواهد بود که: «العامل على غير بصيرة كالسائر على غير الطريق لا يزيد سرعة السير الا بعدا»؛ کسی که بدون بصیرت دست به انجام کاری می‌زند، مانند رونده در بیراهه‌ای است که هرچه سرعتش بیش تر باشد، از مقصد دورتر خواهد شد.

استفاده از اصول و روش‌های تربیتی صحیح، از اصول و مبانی مهمی است که همه دست اندرکاران مسایل تربیتی نوجوانان و جوانان باید به آن توجهی وافر کنند، زیرا دنیای امروز، دنیای به کارگیری روش‌ها و بهره‌گیری از راه‌کارهاست. توجه به این مسأله، از زوایای مختلفی مورد توجه پژوهشگران بوده است که برای نمونه؛ عواطفی (۱۴۰۲) در مقاله خود با عنوان توسعه فضیلت‌مندی در نظام آموزشی و پرورشی مبتنی بر آموزه‌های مهدوی بازنگری در مفاهیمی چون عدالت‌خواهی، صلح‌طلبی، امید، معنای زندگی، هویت و همگرایی اجتماعی از آموزه‌های مهدوی و آموزش و انتقال آن به فراگیران در سه سطح شناختی، گرایشی و کنشی از طریق محتواهای درسی و غیردرسی را از مهم‌ترین برنامه‌های آموزشی شمرده است. صالح‌زاده و اسماعیلی (۱۴۰۱) در پژوهشی با هدف

تدوین سند جامع توسعه فرهنگ مهدویت و انتظار، برنامه‌ریزی به منظور تدوین و چاپ کتاب‌های آموزشی مرتبط با مهدویت در مدارس و دانشگاه‌ها را از مهم‌ترین استراتژی عملیاتی توسعه فرهنگ مهدویت می‌دانند.

سرمدی و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله‌ای نقش معلم در زمینه‌سازی ظهور و تحقق جامعه مهدوی با استفاده از روش کیفی - توصیفی و مصاحبه با صاحب‌نظران حوزه تعلیم و تربیت، درصدد اهمیت نقش و جایگاه معلم در زمینه‌سازی ظهور بودند. لذا بیشترین تمرکز آنها بر معلمان است تا متعلمان. براساس نتایج تحقیق، مدل معلم مطلوب براساس سند بنیادین آموزش و پرورش باید معلم مهدوی و معلم زمینه‌ساز باشد که در این راستا و برای پرورش چنین معلمی بهره‌گیری از آموزش‌های قرآن و عترت در دوره‌های آموزش کوتاه مدت معلمان و برگزاری همایش‌ها و مسابقات متنوع، معرفی کتاب‌های مرتبط می‌تواند کارساز باشد. زرقانی (۱۳۹۹) با بررسی تحلیلی مؤلفه‌ها و ابعاد تربیت و خصایص منتظران در روایات معتبر، ضمن تبیین سه وجه تربیتی مهدویت و انتظار به عنوان یک جریان تربیتی، به بیان آسیب‌های احتمالی در هریک از وجوه شناسایی شده در تربیت مهدوی پرداخته است. از جمله آسیب‌های احتمالی به آرمان‌گرایی انفعالی، عمل‌زدگی و عقل‌زدگی اشاره کرد. مرزوقی و راضی (۱۳۹۸) در پژوهش خود با رجوع به سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، گزاره‌های مندرج در آن را که با تربیت نسل منتظر و مهدوی مرتبط می‌باشد، استخراج کرده‌اند و مبتنی بر آن، چارچوب مفهومی برنامه‌ای آموزشی را برای تحقق آرمان‌های تربیت نسلی مهدی‌باور در مدارس ارائه کرده‌اند. یافته‌های تحقیق به طور کلی حاکی از آن است که در منابع، توجه نظام‌مند و برنامه‌ریزی شده‌ای در حوزه هدف‌گذاری و تدوین محتوا در خصوص گسترش تفکر مهدویت وجود ندارد.

سبحانی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۴) به بررسی تجربه زیسته متخصصان تعلیم و تربیت از راهکارهای گسترش رفتار اخلاقی زمینه‌ساز ظهور در برنامه‌های درسی دانشگاهی پرداخته‌اند. از دیدگاه متخصصان، ملاحظات عملی و راهکارهای پیشنهادی گسترش و نفوذ ابعاد رفتار اخلاقی زمینه‌ساز ظهور در برنامه‌های درسی دانشگاهی را می‌توان در قالب چهار عنصر اصلی اهداف، محتوا، روش‌های یاددهی - یادگیری و ارزشیابی؛ صورت‌بندی کرد. نتیجه پژوهش جعفری هرنندی و نجفی (۱۳۹۲) نیز حاکی از آن است که به محورها و مؤلفه‌های مهدویت در کتاب‌های درسی متوسطه به

میزان متفاوتی توجه شده است. در بین کتاب‌های بررسی شده، کتاب دین و زندگی اول متوسطه، بیشترین توجه و ادبیات فارسی دوم متوسطه، کمترین توجه را به مفاهیم مرتبط با مهدویت داشته اند. اباذری (۱۳۸۳) در پژوهشی به صورت‌بندی مباحث استاد مطهری در موضوع مهدویت پرداخته است. این مباحث مشخصه‌ها و ویژگی‌های جامعه مهدوی، وضعیت قبل از ظهور، وضعیت بعد از ظهور، تکامل تاریخ و جامعه واحد جهانی، انتظار، وظیفه منتظران و مدعیان تربیت مهدوی در اندیشه‌های استاد مرتضی مطهری را واکاوی کرده است. اما پژوهشی که به طور خاص به استخراج و بررسی اصول و روش‌های تربیت مهدوی در نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران پردازد؛ یافت نشد. در همین راستا، پژوهش حاضر به دنبال استخراج اصول و روش‌های تربیت مهدوی و تبیین ویژگی‌های آن در مراکز آموزشی و پرورشی می‌باشد.

روش‌شناسی

برای پاسخ‌گویی به سؤال پژوهش، به منظور شناخت عمیق و با توجه به بررسی مطالعات انجام شده در حیطه تعلیم و تربیت مهدوی و فقدان مطالعات عمیق در این حیطه، ضرورت اتخاذ رویکردی اکتشافی برای کشف همه ابعاد پنهان و پیدای آن محرز می‌گردد. پژوهش حاضر با اتخاذ رویکرد اکتشافی به دنبال کشف ابعاد مختلف اصول و روش‌های تعلیم و تربیت مهدوی در نظام آموزشی کشور می‌پردازد. این مطالعه با روش کیفی و رویکرد پدیدارشناسی در سال ۱۴۰۳ انجام شد. به زعم بازرگان (۱۳۹۸) زمانی می‌توان از پژوهش کیفی استفاده نمود که بخواهیم یک پدیده را از جهات گوناگون مورد بررسی قرار دهیم تا تصویری تفصیلی از پدیده‌های مورد مطالعه بازنمایی گردد. با توجه به تفاوت‌های فلسفی پارادایمی دو روش کمی و کیفی، در بررسی‌های کیفی به جای استفاده از چهارچوب نظری برای تدوین و آزمون فرضیه‌ها، از چهارچوب مفهومی برای استخراج سؤال یا سؤالات پژوهش استفاده می‌شود. چهارچوب مفهومی پژوهش حاضر مبتنی بر رویکرد تفسیرگرایی است. در این دیدگاه، شناخت امری عینی نیست و ابعاد و تفاسیر گوناگون دارد (صالحی و همکاران، ۱۳۹۴). با عنایت به این موضوع و با توجه به دیدگاه بازرگان (۱۳۹۸) برای انجام پژوهش‌های آموزشی که بتواند راه‌گشای شناخت عمقی عناصر نظام آموزشی باشد، باید از روش‌شناسی تفسیری استفاده نمود. در این پژوهش سعی گردید تا با استفاده از رویکرد تفسیرگرایانه به بازنمایی ادراک

استادان از اصول و روش‌های تعلیم و تربیت مهدوی در نظام آموزشی کشور پرداخته و نشان داده شود که مشارکت کنندگان چه درکی از این موضوع دارند.

تعداد و نحوه انتخاب مشارکت کنندگان در مطالعات به روش کیفی مانند روش‌های کمی از پیش تعیین شده نیست و به روند پژوهش و مقولات در حال تکوین بستگی دارد. روش انتخاب مشارکت کنندگان در پژوهش‌های کیفی از نوع هدفمند است و حجم آن نیز به سطح اشباع نظری سؤال‌های پژوهش بستگی دارد (حاج باقری و همکاران، ۱۳۹۴، ۳۹). در این پژوهش نیز پژوهشگر تلاش کرد تا به صورت هدفمند بر مبنای این که چه نوع اطلاعات خاصی مورد نیاز است، مشارکت کنندگان را انتخاب نماید. جامعه پژوهش خبره محور شامل خبرگان دانشگاهی با تأکید بر تعلیم و تربیت اسلامی (دارای سابقه تدریس، پژوهش، تألیف و یا فعالیت اجرایی) می‌باشد. به منظور گردآوری داده‌ها از فن مصاحبه نیمه ساختار یافته استفاده شد. مصاحبه تا رسیدن به تعداد ۸ نفر اشباع انجام پذیرفت. با توجه به سؤالات اصلی پژوهش که به دنبال شناسایی اصول و روش‌های تعلیم و تربیت مهدوی در نظام آموزشی کشور می‌باشد، ابتدا با ارایه توضیحاتی درباره ماهیت مصاحبه و موضوع آن به فرد مصاحبه شونده و آشنایی اولیه با موضوع، آغاز به کار شد. سپس اولین سؤال مبنی بر این بود که با توجه سابقه مصاحبه‌شوند در حوزه تعلیم تربیت اسلامی، چه اصول و روش‌هایی در حوزه تعلیم و تربیت مهدوی پیشنهاد می‌کنند. پیش از آغاز مصاحبه ابتدا، پروتکل مصاحبه تدوین شد و با هماهنگی قبلی صورت گرفته با مصاحبه شونده‌گان به انجام گفت‌وگو، تنظیم و بازبینی متن گفت‌وگوها پرداخته شد.

برای گردآوری داده‌ها از مصاحبه حضوری، تلفنی و شبکه‌های اجتماعی موبایل محور استفاده گردید. به این صورت که چهار نفر از استادانی که تجربه تدریس تعلیم و تربیت اسلامی و روش‌ها و فنون تدریس را داشتند، مورد مصاحبه تلفنی قرار گرفتند و چهار نفر هم با استفاده از مصاحبه حضوری وارد فرآیند مصاحبه شدند. زمان هر مصاحبه بین ۱۰ تا ۲۰ دقیقه متفاوت بود. بعد از گردآوری فرم‌های سؤال‌های مصاحبه، تکمیل شده نسبت به پالایش، بازخوانی، دسته‌بندی و ارایه یافته‌ها از طریق فن تحلیل محتوای کیفی متن مصاحبه‌ها اقدام شد. برای تحلیل داده‌ها اقداماتی نظیر انجام مصاحبه با مشارکت کنندگان، مرور یادداشت‌های تدوین شده بلافاصله بعد از انجام هر مصاحبه برای تعدیل و تکمیل مطالب یادداشت شده صورت پذیرفت. بدین صورت که ابتدا کل مصاحبه‌ها

به دقت روخوانی شد تا معنا و مفاهیم اصلی در آن شناسایی شود. نتیجه این مرحله یک تصویر کلی و توصیفی از هر مصاحبه بود. در مرحله بعد همه مصاحبه‌ها برای تحلیل اولیه و کدگذاری در نظر گرفته شدند. برای کدبندی، متن مصاحبه‌های انتخاب شده، قطعه‌بندی شد و هر قطعه (مبنای قطعه‌بندی محتوا بود، هر معنا، محتوا و مضمونی که هدف پژوهش را پوشش دهد) یک کد در نظر گرفته شد و نام هر کد به گونه‌ای انتخاب شد که دقیقاً و به صورت عینی توصیف کننده قطعه مشخص شده باشد. این مرحله کدگذاری باز بود. این کار تا مرحله‌ی اشباع نظری؛ یعنی تا جایی ادامه پیدا می‌کرد که محتواهای جدیدی شناسایی نمی‌شد. نتیجه این مرحله، شناسایی تعداد زیادی کدهای باز بود. کدهای به دست آمده در مرحله اول، بعد از چند بار غربال کردن و فیلتر کردن و با ملاحظه مشابهت‌ها و تفاوت‌های آنها، ادغام شده و در نهایت کدها به تعداد محدودتری تقلیل یافت و مفاهیم در قالب مقوله‌های بزرگتری قرار گرفتند (کدگذاری محوری). در ادامه، کدهای محوری با توجه به ارتباط بین آنها به صورت تحلیلی به تم یا موضوع اساسی تبدیل شد (کدگذاری منتخب). شایان ذکر است که حاصل چنین فرآیندی، دو مضمون یا مقوله اصلی است که در بخش نتایج کیفی ارائه شده است. در هشتمین مصاحبه با استادان دانشگاه، اشباع نظری داده‌ها حاصل شد. در جهت رعایت اخلاق در پژوهش، قبل از انجام مصاحبه به صورت کاملاً رسمی از مشارکت کنندگان اجازه گرفته شد و در ابتدای امر با ایشان در رابطه با هدف پژوهش، محرمانه بودن نام و اطلاعات هویتی آنها آگاهی‌های لازم داده شد و در نهایت، همه افراد حاضر در پژوهش با رضایت کامل به انجام مصاحبه پرداختند. مشخصات مصاحبه شونده‌گان در پژوهش در جدول شماره ۱ آورده شده است.

در ادامه، پژوهشگر برای غنی‌تر کردن توصیفات مربوط به هر مضمون، ویژگی‌های هر مضمون فرعی را با به کارگیری روش مطالعه و بررسی متون و آثار تألیفی منابع اولیه و ثانویه در خصوص تربیت و مهدویت استخراج و گردآوری کرده است، در انتخاب منابع، پژوهشگر ابتدا کلمات کلیدی حول هر مضمون را شناسایی کرده و به تهیه چک لیست اقدام نمود؛ سپس براساس چک لیست مذکور به جستجو در منابع اولیه و ثانویه پرداخت. منابع اولیه که اصلی‌ترین و نزدیک‌ترین منابع به موضوع مورد بررسی است، نوشته‌های مربوط به آیات و روایات تربیت اسلامی و مهدوی است که این آیات، احادیث و روایات به عنوان شاهد بیان شد. منابع ثانویه شامل کتاب‌ها، آثار، مقاله‌ها و

نوشته‌هایی است که به‌وسیله نویسندگان و پژوهشگران و صاحب‌نظران دیگر درباره موضوع اصلی پژوهش به رشته تحریر درآمده است. داده‌های گردآوری شده، بر اساس روش استنتاجی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و با توضیح ویژگی‌های هر مضمون فرعی به تحلیل مفاهیم و استنباط اهداف پژوهش پرداخته شد.

جدول ۱. مشخصات دموگرافیک استادان مصاحبه شونده

شماره مصاحبه شونده	سن	جنس	آخرین مدرک تحصیلی	سابقه تدریس به سال	رتبه دانشگاهی	رشته تحصیلی
۱	۴۰	زن	دکتری	۱۰	مریی	فلسفه تعلیم و تربیت
۲	۴۶	مرد	دکتری	۱۷	دانشیار	برنامه‌ریزی درسی
۳	۴۱	مرد	دکتری	۱۰	استادیار	مدیریت آموزشی
۴	۴۳	زن	دکتری	۱۵	استادیار	برنامه‌ریزی درسی
۵	۴۵	زن	دکتری	۳	مریی	ادبیات فارسی
۶	۴۷	مرد	دکتری	۱۸	استادیار	مدیریت آموزش عالی
۷	۳۲	زن	دکتری	۸	مریی	معارف اسلامی
۸	۳۹	مرد	دکتری	۱۱	استادیار	مدیریت آموزشی

یافته‌ها

پس از پیاده کردن مصاحبه‌ها، ۲ مضمون اصلی شامل اصول تعلیم و تربیت مهدوی و روش‌های تعلیم و تربیت مهدوی استخراج شد و مجموعاً ۱۵ زیرمضمون یا مضامین فرعی با توجه به مضامین اصلی مورد شناسایی و دسته‌بندی قرار گرفت و حدوداً ۲۷ روایت از مصاحبه‌ها به دست آمد.

جدول ۲. خلاصه متن مصاحبه‌ها

مونه‌هایی از پرسش‌ها و پاسخ‌ها	مصاحبه شونده
<p>سؤال ۱: با عرض سلام لطفاً بفرمایید رشته تحصیلی تان چیست و چند سال سابقه تدریس در رشته علوم تربیتی را دارید؟</p> <p>پاسخ: سلام رشته تحصیلی بنده فلسفه تعلیم تربیت است و ۱۰ سال سابقه تدریس در دانشگاه‌های (پیام نور و آزاد) مختلف را دارم.</p> <p>سؤال ۲: آیا سابقه تدریس در دروس اسلامی تربیتی مثل تعلیم و تربیت اسلامی را دارید؟</p> <p>پاسخ: بله</p> <p>سؤال ۳: با توجه به تجربه تدریس در دروس علوم تربیتی و علوم اسلامی به نظر شما در تعلیم و تربیت آموزه‌های مهدوی از چه اصولی می‌توانیم نام ببریم و برای آموزش این اصول چه روش‌های تربیتی مناسب است؟</p> <p>پاسخ: به نظرم مهم‌ترین اصل رعایت کردن اعتدال است این که با تفسیرهای اشتباه فراگیران را دچار افراط و تفریط نکنیم و باب سؤال پرسیدن و نقد را باز بذاریم و این موضوع را از زوایای مختلف مورد بحث و بررسی قرار بدهیم.</p>	۱
<p>سؤال ۱: سلام لطفاً بفرمایید رشته تحصیلی تان چیست و چند سال سابقه تدریس در رشته علوم تربیتی را دارید؟</p> <p>پاسخ: علوم تربیتی گرایش مدیریت آموزشی. ۱۰ سال سابقه تدریس دارم. سؤال ۲: آیا سابقه تدریس در دروس اسلامی تربیتی را دارید؟</p> <p>پاسخ: بله دروس روش تدریس قرآن و دینی را تدریس کرده‌ام.</p> <p>سؤال ۳: با توجه به تجربه تدریس که دارید به نظر شما تعلیم و تربیت آموزه‌های مهدوی بر چه اصولی استوار است و برای آموزش این اصول چه روش‌های تربیتی مناسب است؟</p> <p>پاسخ: مهم‌ترین اصلی که به نظر من باید به آن تکیه کنیم اصل تعقل و عقلگرایی است و فراگیران هر موضوعی که منطقی باشد را می‌پذیرند و ما به عنوان مربی بایستی بتوانیم راز آفرینش جهان را به صورت علمی برای آنها شرح دهیم و هر مطلبی که علم از آن حمایت کند برای همگان موجه خواهد بود. باید در کنار توضیحات علمی تقوای الهی و فایق آمدن بر هوای نفس را هم آموزش ببینند. روشی که باید از آن استفاده کنیم روش عملی هست یعنی خود باید پایبند به تقوای الهی باشیم تا بتوانیم بر دانش‌آموزان و دانشجویان اثرگذار داشته باشیم.</p>	۲
<p>سؤال ۱: سلام لطفاً بفرمایید رشته تحصیلی تان چیست و چند سال سابقه تدریس در رشته علوم تربیتی را دارید؟</p> <p>پاسخ: علوم تربیتی گرایش برنامه‌ریزی درسی. ۱۷ سال سابقه تدریس دارم. سؤال ۲: آیا سابقه تدریس در دروس اسلامی تربیتی را دارید؟</p>	۳

جدول ۲. خلاصه متن مصاحبه‌ها

نمونه‌هایی از پرسش‌ها و پاسخ‌ها	مصاحبه شونده
<p>پاسخ: بله</p> <p>سؤال ۳: با عنایت به تجربه زیسته خود در تدریس؛ به نظر شما در تعلیم و تربیت آموزه‌های مهدوی بر چه اصولی می‌توانیم تکیه کنیم و برای آموزش این اصول چه روش‌های تربیتی مناسب است؟</p> <p>پاسخ: اصل بنیادی در آموزه‌های مهدویت اصل خدا محوری است. کسی که منکر وجود خداوند باشد مسلماً به مهدویت هم معتقد نیست. پذیرش وحدانیت خداوند موجب می‌شود انسان در همه حال به دنبال کسب رضایت الهی باشد و نسبت به اجرای احکام الهی و پیروی از دستورات دین مهیا باشد. باید برای آموزش اصل توحید از آموزش‌های تدریجی استفاده کنیم؛ یعنی مناسب با سن و رشد عقلی و عاطفی افراد به آنها آموزش بدهیم.</p>	
<p>سؤال ۱: سلام لطفاً بفرمایید رشته تحصیلی تان چیست و چند سال سابقه تدریس در رشته علوم تربیتی و علوم اسلامی را دارید؟</p> <p>پاسخ: مدیریت آموزش عالی. ۱۸ سال سابقه تدریس دارم.</p>	
<p>سؤال ۳: با عنایت به تجربه زیسته خود در تدریس؛ به نظر شما در تعلیم و تربیت آموزه‌های مهدوی بر چه اصولی می‌توانیم تکیه کنیم و برای آموزش این اصول چه روش‌های تربیتی مناسب است؟</p> <p>پاسخ: از محبت خارها گل می‌شود. پیامبر اکرم (ص) با اخلاق نیکو توانستند دین اسلام را گسترش بدهند. به نظر من ما هم باید با دوستی و محبت قلب‌ها را نرم کنیم و مردم به مهدویت سوق بدهیم. باید الگوهای خوب و بد برای آنان ترسیم شود. با گفتار و رفتار مناسب می‌توان افراد را به راه‌های خوب هدایت کرد.</p>	۴
<p>سؤال ۱: با عرض سلام لطفاً بفرمایید رشته تحصیلی تان چیست و چند سال سابقه تدریس در رشته علوم تربیتی را دارید؟</p> <p>پاسخ: سلام رشته تحصیلی بنده ادبیات فارسی است و ۳ سال سابقه تدریس دارم.</p>	
<p>سؤال ۲: آیا سابقه تدریس در دروس اسلامی را دارید؟</p> <p>پاسخ: بله به دلیل این که اینجانب فرهنگی هستم روش‌های تدریس دروس مختلف را تدریس کرده‌ام.</p> <p>سؤال ۳: با توجه به تجربه تدریس که دارید به نظر شما تعلیم و تربیت آموزه‌های مهدوی بر چه اصولی استوار است و برای آموزش این اصول چه روش‌های تربیتی مناسب است؟</p> <p>پاسخ: بنده به مدت ۲۰ سال معلم آموزش ابتدایی بودم و با توجه به تجربه خودم از تدریس دروس هدیه‌های آسمانی و قرآن به قاطعیت می‌توانم ادعا کنم مهم‌ترین اصل دانش آموز مداری و متری محوری است این که با توجه به نیازها و علایق فراگیران در هر سنی آموزش‌های مناسب آن سن را داشته باشیم. توانایی‌ها و نقاط قوت فراگیران را بشناسیم روشی که جوابگو هست روش ابتلا و امتحان می‌باشد؛ یعنی در هر سنی مناسب با ظرفیت‌های وجودی انسان‌ها برای آنها آزمون‌ها و محدودیت‌هایی در نظر بگیریم که خود ساخته شوند.</p>	۵

جدول ۲. خلاصه متن مصاحبه‌ها

مصحح شونده	مصاحبه
<p>سؤال ۱: سلام لطفاً بفرمایید رشته تحصیلی تان چیست و چند سال سابقه تدریس در رشته علوم تربیتی را دارید؟</p> <p>پاسخ: معارف اسلامی. ۸ سال سابقه تدریس دارم.</p> <p>سؤال ۲: آیا سابقه تدریس در دروس اسلامی تربیتی را دارید؟</p> <p>پاسخ: بله</p>	۶
<p>سؤال ۳: با عنایت به تجربه زیسته خود در تدریس؛ به نظر شما در تعلیم و تربیت آموزه‌های مهدوی بر چه اصولی می‌توانیم تکیه کنیم و برای آموزش این اصول چه روش‌های تربیتی مناسب است؟</p> <p>پاسخ: احترام به انسان‌ها و بالا بردن شخصیت و عزت آنها. با استفاده از روش‌های تلقینی که باید مثبت و آگاهانه باشد و آزادی انسان‌ها خدشه دار نشود. از روش تقلیدی هم می‌توانیم استفاده کنیم.</p>	
<p>سؤال ۱: با عرض سلام لطفاً بفرمایید رشته تحصیلی تان چیست و چند سال سابقه تدریس در رشته علوم تربیتی را دارید؟</p> <p>پاسخ: سلام رشته تحصیلی بنده برنامه‌ریزی درسی است و ۱۵ سال سابقه تدریس دارم.</p> <p>سؤال ۲: آیا سابقه تدریس در دروس اسلامی را دارید؟</p> <p>پاسخ: بله .</p>	۷
<p>سؤال ۳: با توجه به تجربه تدریس که دارید به نظر شما تعلیم و تربیت آموزه‌های مهدوی بر چه اصولی استوار است و برای آموزش این اصول چه روش‌های تربیتی مناسب است؟</p> <p>پاسخ: اگر در همه کارها و از جمله کار مقدس تعلیم و تربیت اصل را خدا و کسب رضایت او قرار دهیم و خدا را ناظر بر کارها بدانیم می‌توانیم به اهداف تربیت مهدوی فایق آییم. وقتی خداوند را ناظر بر همه امور بدانیم مسلماً بر خود وظیفه خواهیم دانست که نسبت به اعمال و رفتارمان پاسخ‌گو باشیم. باید از روش‌های غیرمستقیم برای آموزش امور دینی استفاده کنیم روش‌های مستقیم زیاد جوابگو نیستند.</p>	
<p>سؤال ۱: سلام لطفاً بفرمایید رشته تحصیلی تان چیست و چند سال سابقه تدریس در رشته علوم تربیتی و علوم اسلامی را دارید؟</p> <p>پاسخ: مدیریت آموزشی. ۱۱ سال سابقه تدریس دارم.</p>	
<p>سؤال ۳: با عنایت به تجربه زیسته خود در تدریس؛ به نظر شما در تعلیم و تربیت آموزه‌های مهدوی بر چه اصولی می‌توانیم تکیه کنیم و برای آموزش این اصول چه روش‌های تربیتی مناسب است؟</p> <p>پاسخ: اینکه پایه همه آموزش‌ها را بر اساس اصول عقلانی بچینیم. تفاوت بین انسان و موجودات دیگر بهره‌گیری از قوه عقل است. همه مراحل تربیت انسان از جمله تربیت دینی باید براساس اصول عقلانی باشد. متناسب با رشد عقلی انسان‌ها از روش‌های متنوع و تدریجی استفاده شود.</p>	۸

نتایج تحلیل مصاحبه‌ها و دسته‌بندی آنها به مضامین اصلی و فرعی با توجه به مصاحبه‌های استادان در جداول شماره ۳ آورده شده است.

جدول ۳. مضامین به‌دست آمده از تحلیل مصاحبه‌های استادان

مضامین اصلی	مضامین فرعی	روایت‌ها
	اصل خدامحوری و توحید	۱. کسب رضایت الهی
	محوری	۲. تعهد نسبت به خدا
	اصل تعقل	۱. فائق آمدن بر هوای نفس
		۲. پی بردن به اسرار حیات و زندگی
	اصل عزت	۱. حفظ عزت و کرامت انسان
	اصل اعتدال	۱. پرهیز از هر گونه افراط و تفریط ۲. رعایت جامعیت
اصول تعلیم و تربیت مهدوی	اصل متربی‌محوری	۱. توجه به تفاوت‌های فردی ۲. توانایی‌ها و محدودیت‌های حاکم بر متربی
	اصل محبت‌محوری	۱. اشتیاق به خدا ۲. محبت به خلق خدا
	اصل نظارت‌مداری	۱. جهان منظر خداست ۲. پاسخ‌گویی بنده خدا نسبت به اعمال و رفتار
	روش تربیت تقلیدی	۱. پرهیز از تقلیدهای کورکورانه
	روش تربیت تلقینی	۱. مثبت ۲. آگاهانه ۳. آزادانه
	روش تربیت تدریجی	۱. توجه به سطح فکر و قدرت فهم فراگیران ۲. توجه به شرایط علمی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی فراگیران
	روش‌های تعلیم و تربیت مهدوی	۱. توجه به ویژگی‌های متربیان ۲. توجه به شرایط زمان و مکان تربیت
	روش تربیت الگویی	۱. روی آوردن به الگوهای مناسب و شایسته ۲. پرهیز از تک بعدنگری
	روش تربیت عملی	۱. عدم تناقض بین گفتار و عمل مربی
	روش ابتلا و امتحان	۱. روشی برای غربالگری باران واقعی مهدی (عج) ۲. توجه به ظرفیت وجودی انسان‌ها

در ادامه، پژوهشگر برای غنی‌تر کردن توصیفات مربوط به هر مضمون، ویژگی‌های هر مضمون فرعی را با به‌کارگیری روش مطالعه و بررسی متون و آثار تألیفی منابع اولیه و ثانویه در خصوص تربیت و مهدویت استخراج و گردآوری کرده است. منابع اولیه که اصلی‌ترین و نزدیک‌ترین منابع به موضوع مورد بررسی است، نوشته‌های مربوط به آیات و روایات تربیت اسلامی و مهدوی است. منابع ثانویه شامل کتاب‌ها، آثار، مقاله‌ها و نوشته‌هایی است که به‌وسیله نویسندگان و پژوهشگران و صاحب‌نظران دیگر درباره موضوع اصلی پژوهش به رشته تحریر درآمده است. داده‌های گردآوری شده، بر اساس روش استنتاجی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و با توضیح ویژگی‌های هر مضمون فرعی به تحلیل مفاهیم و استنباط اهداف پژوهش پرداخته شد.

الف: تبیین ویژگی‌های اصول استخراجی تعلیم تربیت مهدوی:

۱. ویژگی‌های اصل خدامحوری و توحیدمحوری: خداگرایی و توجه به توحید، ریشه و روح همه اصول تربیت است. توجه به خداوند و فرمان الهی، اصلی است که نظام‌های تربیتی توحیدی را از غیر، جدا می‌سازد و به‌جای حاکمیت هوا و هوس، احکام الهی را بر متن و جوهره تربیت تزریق می‌کند. قرآن کریم، خدامحوری و دعوت کردن مردم به توحید را از مهم‌ترین برنامه‌های پیامبران الهی می‌داند و در این باره چنین می‌فرماید: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» (نحل، آیه ۳۶) و در حقیقت، در میان هر امتی فرستاده‌ای برانگیختیم (تا بگوید) خدا را بپرستید و از طاغوت (فریب‌گر) بپرهیزید. در واقع چنین می‌توان گفت که انسان برای دست یافتن به یک تربیت الهی و توحیدی و به‌جای آوردن وظیفه خلیفه الهی خود، پا به عرصه این جهان گذاشته است؛ در نظام تربیتی مهدویت نیز، خدامحوری و توحیدمداری در رأس برنامه‌های تربیتی حضرت مهدی (ع) قرار می‌گیرد. با توجه به آنچه گفته شد می‌توان گفت که تربیت اسلامی و قرآنی می‌کوشد تا انسان‌ها را با خالق خود آشنا سازد تا آنان به وظایف بندگی خویش آشنا شوند و هر چه بیشتر خود را به اخلاق الهی بیارایند. اصل توحید، یکی از مهم‌ترین اصول تربیتی هست که مربی در تربیت متربی نباید از آن غفلت ورزد و در واقع می‌توان گفت مهم‌ترین اصل تربیتی نیز به شمار می‌رود.

۲. ویژگی‌های اصل تعقل: یکی دیگر از ویژگی‌های مهم انسان که سبب برتری وی بر سایر موجودات است، همان برخوردار بودن از قوه عاقله است. قرآن کریم بارها انسان را به تعقل و تفکر دعوت می‌کند.

خداوند، در قرآن کریم در «سوره بقره، آیه ۲۴۲» می‌فرماید: «وَكَذَلِكَ بَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (بدین گونه خداوند آیات خود را برای شما بیان می‌کند، باشد که تعقل کنید). همچنین در سوره رعد آیه ۳ خداوند می‌فرماید: «إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (همانا کسانی که اهل فکر کردن نیستند، هرگز نمی‌توانند به آیات الهی پی ببرند). از اینجا به خوبی می‌توان به ارزشمندی تفکر پی برد و فهمید که تنها در اثر برخورداری از اندیشیدن است که انسان‌ها می‌توانند به رموز و اسرار حیات و زندگی وقوف یابند و کسانی که اهل اندیشیدن نیستند، همانند چهارپایان کور و کور بوده و هرگز به حقایق و اسرار پی نخواهد برد (رشیدپور، ۱۳۸۵، ۶۸). با توجه به آنچه گفته شد، از دیگر اصول تربیت در نظام تربیتی حضرت مهدی (ع) مسأله پیوند ناگسستنی تربیت با دستورات عقلی و منطقی و کنار زدن مسائل متضاد با تدبیر بشری است. بدون تردید، توجه به عقل و منطق، از ویژگی‌های اساسی دین مقدس اسلام به شمار می‌رود. احکام اسلامی نیز، با عقل سلیم کاملاً همخوانی دارد. در تربیت انسان نیز، یکی از اصول تربیتی اسلام، همین است که همه فرآیند تربیت باید با عقل مطابق باشد. انطباق کامل فرآیند تربیت انسان با عقل و توجه کامل به این گوهر ناب موجود در انسان در آموزش و پرورش بشر، از دست آوردهای بزرگ نظام تربیتی مهدوی (ع) است؛ امام باقر (ع) درباره گرایش به عقل و منطق و شکوفایی عقلی بشری در مکتب مهدوی چنین می‌فرماید: زمانی که قائم ماقیام کند، دست خود را بر سر مردم می‌گذارد و بدان وسیله عقل آنان را شکوفا ساخته و اخلاقشان را الهی می‌سازد (مجلسی، ۱۳۸۶) هدف از معنویت عقلانی مهدوی تنها دستیابی به نیروی خارق‌العاده و وضعیت روانی مطلوب نیست، بلکه حقیقتی متعالی و فراتر از تمام نمودهای هستی را ارائه می‌دهد و به همه هستی معنایی خاص می‌بخشد. باور به وجود حقیقتی که دارای خیر مطلق و کمال نامحدود و سرچشمه بی‌پایان رحمت و زیبایی و بی‌نیازی است، به هستی و حیات، شکوه و معنا می‌بخشد (خوش‌باور و یعقوبی، ۱۴۰۳، ۹۳).

۳. **ویژگی‌های اصل عزت:** اصل عزت، از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین اصول تربیتی است؛ زیرا اساس تربیت بر عزت است و اگر فرد، با عزت رشد یابد و تربیت شود، به حالتی دست می‌یابد که پیوسته و در هر اوضاع و احوالی راست و استوار باشد (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۷، ۲۳۰). قرآن کریم، یکی از نیازهای انسان را عزت طلبی می‌داند و سرچشمه عزت و شخصیت دنیایی و اخروی را نزد خداوند معرفی می‌کند و می‌فرماید: «أَيَّتُّنَّوْنَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِیًّا» (نساء، ۱۳۹) آیا سربلندی

را نزد آنان می‌جویند؟ این خیال خام است. چرا که عزت، همه از آن خداست. همچنان که فرموده است: «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» (منافقون، ۸) خدای راست عزت (بزرگی و ارجمندی) و پیامبر او و مؤمنان راست.

هر کس از راه بندگی خدا عزت جوید، به عزت حقیقی رسد و خداوند او را استوار، نفوذناپذیر، راسخ و شکست‌ناپذیر سازد و این سنت اوست؛ چنانچه امیرالمؤمنین (ع) در نامه ۵۳ نهج‌البلاغه فرموده است: خداوند (که بزرگ است نام او) یاری هر که او را یاری کند پذیرفته است و عزت بخشی هر که او را عزیز دارد به عهده گرفته است. بنابراین، انسان با تربیت الهی به عزتی حقیقی دست می‌یابد و محکم و نفوذناپذیر و راست قامت می‌شود و این بهترین اساس تربیت است. از برنامه‌های تربیتی حضرت مهدی (ع) نیز، این است که در فرآیند تربیتی بشر، حرمت و عزت آنان کاملاً محفوظ بماند. در مکتب تربیتی امام عصر (ع)، حفظ حرمت و عزت تربیت شونده بسیار مهم است. مربی همواره باید، جایگاه‌ها و آبروی تربیت شونده را حفظ کند. انسان دوست دارد عزیز باشد و احترام او در میان مردم و اجتماع نگاه داشته شود.

۴. ویژگی‌های اصل اعتدال: انسان در میان دو قطب افراط و تفریط در رفتار و سلوک اخلاقی و ملکات نفسانی، در صورتی به الگوی صحیح روحی و رفتاری دست می‌یابد که اعتدال پیشه کند (اعرافی و همکاران، ۱۳۹۶) هر حرکت و فعل تربیتی، باید بر اعتدال استوار باشد و از حد وسط بیرون نرود و به افراط و تفریط کشیده نشود تا حرکت و فعلی مطلوب باشد. آیین تربیتی دین، به اعتدال در هر امری فرا می‌خواند و مجموعه قوانین و مقررات و آداب دینی به گونه‌ای است که مردمانی متعادل تربیت شوند. خدای متعال، امت اسلامی را امتی متعادل و میانه معرفی می‌کند و نمونه‌ای را که این امت باید خود را با او تطبیق دهد و در پی او رود. به بیان امیرالمؤمنین (ع) انسان جاهل است که جز در افراط و تفریط سیر نمی‌کند؛ چنان که در حکمت ۷۰ نهج‌البلاغه فرموده است: جاهل را نمی‌بینی؛ مگر اینکه یا افراط می‌کند یا تفریط. البته اندازه شناختن و اندازه نگه داشتن در تربیت، امری دشوار است و جز با خردورزی در تربیت نمی‌توان اندازه‌ها را دریافت و آنها را پاس داشت و به تربیتی فطری اهتمام گماشت. انسان خردمند در هر ارتباط اجتماعی، رفتاری متعادل و دیگران را براساس اعتدال حرکت می‌دهد. در نظام تربیتی حضرت مهدی (ع)، که پیرو اسلام ناب محمدی (ص) است، گرایش‌ها و خواست‌های انسان‌ها تعدیل می‌شود؛ به گونه‌ای که تربیت شونده

از افراط و تفریط در رسیدن به خواست‌ها و غرایزش می‌پرهیزد (صالحی، ۱۳۸۶، ۱۵۶). باید در نظر داشت که برای آن که بتوان اعتدال را در جامعه اجرا کرد؛ باید در جامعه حدود الهی رعایت شود که در زمان حکومت حضرت مهدی (ع) اجرای حدود الهی به کمال خود می‌رسد.

۵. ویژگی‌های اصل متربی محوری (رعایت تفاوت فردی): هر انسان، هر چند شباهت‌هایی با دیگران دارد، دارای خصوصیات جسمی، ویژگی‌های روانی و توانایی‌های مختص ذهنی، هوش و ادراکی متمایز با دیگران است که او را موجودی مستقل، تام و فردی خاص می‌سازد (زهرة کاشانی، ۱۳۸۸، ۱۷۱). ملاحظه تفاوت‌های فردی و اختلاف استعدادها در تربیت و سامان دادن تربیت با توجه به آن از مهم‌ترین اصول تربیت است. انسان‌ها از نظر طبیعی به هیچ روی یکسان نیستند؛ بلکه اختلاف وجودی میان همه موجودات و در مراتب وجود از لوازم عالم وجود است. انسان‌ها گوناگون آفریده شده‌اند و از استعدادها و ظرفیت‌هایی متفاوت برخوردارند که همین تفاوت و گوناگونی مایه بقا و دوام و رشد جامعه انسانی و از نشانه‌های قدرت و کمال خدای متعال است (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۷، ۱۶۳). خداوند در سوره نوح، آیات ۱۳-۱۴ می‌فرماید: «مَالِكُمْ لَا تَرَجُونَ لِلَّهِ وَقَاراً وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَاراً». شما را چه می‌شود که خدای را به بزرگی باور ندارید و حال آن که شما را گونه‌گون در مراحل و مراتب مختلف آفریده است. حکمت الهی چنین است که با ما به مقدار توانایی ما رفتار می‌کند و هیچ‌کس را بیش از توانایی‌اش تکلیف نمی‌نماید و این اساس تربیت است. در قرآن کریم، تکلیف خواسته شده از بندگان، بستگی به وسع و ظرفیت وجودی به ایشان داشته و خداوند متعال در موارد مکرری این اصل را متذکر شده‌اند؛ همان‌طور که در سوره بقره چنین می‌خوانیم: «لَا يَكْلِفُ اللَّهُ نَفْساً أَلَا وَسْعَهَا» (بقره، ۲۸۶) خداوند هیچ‌کس را جز به قدر توانایی‌اش تکلیف نمی‌کند. آنچه از مفاد آیه فوق برمی‌آید، این است که تمام وظایف و تکالیفی که در قالب اقدام و دستورات خداوند بر بندگان مقرر شده؛ همه به اندازه توان و قدرت افراد هست و خداوند هیچگاه فراتر از آن از بندگان نمی‌خواهد. در چنین مکتب انسان‌سازی، انتظارات و مسئولیت‌ها با در نظر گرفتن ویژگی‌های فردی تعیین می‌شود؛ هر چند در مکتب تربیتی مهدوی، بشریت با لطف امام معصوم (ع) به کمالات روحی و عقلانی دست می‌یابد «فجمع به عقولهم و أكمل به أخلاقهم» (مجلسی، ۱۳۸۶، ۳۳۶)، ولی به هر حال، نمی‌توان همه انسان‌ها را در یک سطح قرارداد. البته این که تربیت باید بر اساس توانایی افراد و به تدریج صورت بگیرد، به معنای توقف در توانایی‌های پایین و حرکت نکردن

و تلاش نکردن در جهت وسع بیشتر نیست؛ بلکه باید تلاش کرد که ظرفیت وجودی و گنجایش توانایی افراد را به تدریج افزایش داد و آنان را به سمت مقصد تربیت سوق داد.

۶. ویژگی‌های اصل محبت‌محوری: نیاز به محبت و تعلق خاطر، یکی از ابعاد روح و گرایش‌های معنوی انسان است. این که انسان تا سر حد ایثار و فداکاری و در راه محبوب و عشق به معشوق تلاش می‌کند و به وجد می‌آید؛ همه بیانگر این نیاز و گرایش فطری است؛ به طوری که انسان، قلباً ایثار و فداکاری و جانبازی عاشق را در راه معشوق، ارزش و افتخار می‌داند (فرهادیان، ۱۳۷۵، ۷۶). در این زمینه، قرآن رهنمودی تربیتی می‌دهد: «الَّذِينَ آمَنُوا أَشَدَّ حُبًّا لِلَّهِ» (بقره، ۱۶۵) و کسانی که ایمان آورده‌اند، به خدا بیش از هر چیز محبت دارند. هیچ اصلی چون محبت در تربیت آدمی مؤثر نیست و مفیدترین روش‌ها و اصول تربیت به نیروی محبت کارایی پیدا می‌کنند. جهان آفرینش براساس رحمت و محبت سامان یافته است و بدان کمال می‌یابد و پیامبر اکرم (ص) جلوه تام رحمت و محبت الهی، اصل تربیتی‌اش بر رحمت و محبت استوار بود. در نظام تربیتی حضرت مهدی (ع) در زمان ظهور، اصل محبت یکی از مهم‌ترین اصول تربیتی خواهد بود. برای تربیت نسل مهدی‌یاور، نباید از این اصل غفلت ورزید؛ همان‌طور که اشاره شد، امام عصر (ع) در زمان ظهور خود مشکلات مردم را برطرف می‌کند و به آنان محبت می‌کند و این محبت، عشق و محبتی را در مرتبه نسبت به مربی ایجاد می‌کند که تأثیر تربیتی آن از صدها استدلال عقلی بیشتر خواهد بود. نکته‌ای که باید به آن توجه شود، این است که در محبت باید از افراط و تفریط پرهیز شود و معتدل و راستین و به دور از تکلف و تصنع و متناسب با سن و سال افراد باشد؛ همچنین دوستی پیامبر و اوصیای آن حضرت بهترین راه تربیت و کوتاه‌ترین راه اصلاح و تهذیب است

۷. ویژگی‌های اصل نظارت‌مداری: یکی از روش‌های کارآمد در امر تربیت، نظارت بر امور تربیتی است. نظارت دینی، نظارتی آگاهانه و هوشیارانه است که مربی می‌داند همواره رفتار و حرکات او تحت نظارت دقیق الهی است و در آینده باید پاسخ‌گوی اعمال و رفتار خود باشد. چنین نظارتی می‌تواند تأثیر ویژه‌ای بر شخصیت و رفتار وی داشته باشد؛ بنابراین، اصل نظارت‌مداری در تربیت اسلامی به ما می‌گوید: جهان در منظر خداوند تبارک و تعالی است و او بر همه امور آگاه است. بنابراین، کیفیت تأثیر نظارت بر رفتار و احوال انسان، مرهون میزان آگاهی و اعتقاد او نسبت به امر نظارت و چگونگی آن است. این امر مستلزم نوعی مراقبه و محاسبه و خودکنترلی است. حضرت

علی (ع) می‌فرماید: از مخالفت با فرمان‌های خدایی که در پیشگاه او حاضرید و زمام امور شما به دست اوست و حرکات و سکنات شما در دست قدرت اوست بترسید. اگر شما اعمالی را پنهانی انجام دهید او می‌داند و اگر آشکارا به‌جا آورید ... نگهبانان بزرگواری را گماشته تا هیچ حقی ضایع نگردد و بیهوده ثبت نکنند (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۸۳).

ب: تبیین ویژگی‌های روش‌های استخراجی تعلیم و تربیت مهدوی:

۱. **روش ابتلا و امتحان:** امتحانات و ابتلائات الهی، اعم از وظایف و تکالیف و حوادثی است که اتفاق می‌افتد و همه انسان‌ها، چه مؤمن و چه کافر را دربر می‌گیرد و وجود حادثه‌ها، آفت‌ها و بلاها در زندگی انسان‌ها حتی پیامبران الهی یک ضرورت است و بر اساس همین ابتلائات بر بندگان عذری باقی نمی‌ماند؛ زیرا پاداش و جزای الهی براساس استحقاقی است که بنده کسب می‌کند و خود را در مسیر هدایت یا شقاوت قرار می‌دهد (پیروزفر، ۱۳۷۸، ۹۲). خداوند در سوره انبیا، آیه: ۳۵ می‌فرماید: «وَنَبْلُوكُم بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً» و شما را از راه آزمایش به بد و نیک خواهیم آزمود. خداوند امتحان نمی‌کند که بهشتی واقعی و جهنمی واقعی معلوم شود؛ امتحان می‌کند و مشکلات و شداید به وجود می‌آورد تا آن که می‌خواهد به بهشت برود، در خلال همین شداید، خود را شایسته و لایق بهشت کند و آنکه لایق نیست، سر جای خود بماند (مطهری، ۱۳۹۵). در نظام تربیتی امام عصر (عج) نیز، مردم آزمایش می‌شوند تا غربال شوند؛ همان‌طور که گفته شد انسان‌ها در امتحانات، حقایق درونی خود را آشکار خواهند کرد. در مورد امتحان شدن یاوران امام عصر (عج) آمده است که از امام صادق (ع) نقل شده است: به خدا قسم آنچه شما چشم به سوی آن دوخته‌اید، واقع نمی‌شود، مگر بعد از این که تمیز داده شوید و امتحان بدهید. آنگاه از هر ده نفر چند نفر (از دین حق بیرون) می‌روند و به اعتقاد اول نمی‌مانند (کامیاب، ۱۴۰۳، ۸۷). البته مربی نباید از این امر غفلت ورزد که ظرفیت مربی‌ها گوناگون می‌باشد و براساس آن؛ آزمایش‌ها صورت گیرد و درباره نتایج آن قضاوت کند و پاداش و کیفر کند.

۲. **روش الگویی:** انسان به فطرت خود که عشق به کمال مطلق است، الگوطلب و الگوپذیر است؛ به طوری که باید الگوهای خوب و بد برای آنان ترسیم شود. اگر با گفتار و رفتار می‌توان افراد را به راه‌های خوب رهبری کرد، با نشان دادن زندگی انسان‌های والا و پست می‌توان بصیرت افراد را بالا برد تا زندگی خود را بر طبق زندگی انسان‌های برتر تطبیق کنند و از پیروی از افراد پست جوری

جویند؛ ولی هیچ چیز مانند الگو و نمونه عملی، در تربیت تأثیر ندارد (سبحانی، ۱۳۹۰، ۵۸). امام علی (ع) در نهج‌البلاغه، درباره روش الگویی امام زمان (عج) می‌فرماید: بر همان سیره و روش پیامبر (ص) و امامان (ع) رفتار می‌کند تا گره‌ها را بگشاید (خطبه ۱۵۰). بهترین مفاهیم و رساترین اندیشه‌ها، زمانی که در قالب نمونه‌ای عینی ارائه می‌شود، کاملاً ادراک و تصدیق می‌گردد. بی‌گمان تربیت عملی مؤثرتر و مفیدتر از تربیت زبانی است و به راحتی، راه، مسیر و مقصد تربیت را مشخص می‌کند (داداش‌زاده و نوبری، ۱۴۰۲، ۷).

۳. **روش تربیت تقلیدی:** تقلید بر چهار نوع است: الف. تقلید آگاهانه و سودمند (مانند تقلید در کارهای مثبت) ب. تقلید آگاهانه و زیان‌مند (مانند تقلید در کارهای منفی) ج. تقلید ناآگاهانه و سودمند (مانند تقلید کودک در یادگیری سخن گفتن) د. تقلید ناآگاهانه و زیان‌مند (مانند تقلید کودک در به کارگیری سخنان زشت). نوع اول و دوم از تقلید، همان الگوبرداری مثبت، یا منفی از دیگران است که در «روش تربیتی الگویی» به آن پرداخته می‌شود. در قرآن کریم و در داستان هابیل و قابیل به نوع اول از تقلید اشاره شده است. همچنین به نوع چهارم از تقلید و در مورد کافران نیز اشاره شده است. «چون به آنان گفته می‌شود از آنچه خداوند فرو فرستاده است پیروی کنید، گویند: نه، بلکه از چیزی که پدران خود را بر آن یافته‌ایم پیروی می‌کنیم. آیا هر چند پدرانشان چیزی را درک نمی‌کرده و به صواب نمی‌رفتند شایسته تقلیدند». پس، این گونه تقلیدهای کورکورانه و بدون دلیل‌های خردمندانه کاملاً نکوهیده است.

۴. **روش تربیت تلقینی:** از روش‌های دیگری که می‌توان در تربیت به کار گرفت، تلقین مثبت به خود و دیگران است. امروزه نیز یکی از روش‌های درمان برخی از بیماری‌ها، مانند افسردگی، منفی‌نگری، ناامیدی و وسواس، روش تلقین درمانی است. بنابراین تکرار ۳۱ بار آیه «فبای آلا ربکما تکذبان» در سوره الرحمن و ۱۰ بار آیه «ویل یومئذ للمکذبین» در سوره مرسلات و ۸ بار آیه «فاتقوا الله و اطیعوا» و ۵ بار آیه «و ما اسالکم علیه من اجر...» در سوره شعرا، نشان از اهمیت به کارگیری روش تلقینی دارد. به همین جهت، اگر استفاده از روش تلقینی در تعلیم و تربیت به صورت منفی و تحمیل نباشد، بلکه به صورت مثبت و آگاهانه و آزادانه انجام پذیرد، بسیار مطلوب و مؤثر خواهد بود.

۵. **روش تربیت تدریجی:** به کارگیری روش تدریجی در تعلیم و تربیت و ساختن انسان‌ها از لوازم مهم زمینه‌سازی پرورشی و آموزشی است. نزول آیات قرآن و ابلاغ آنها در مدت ۲۳ سال و به

صورت تدریجی به مردم از سوی پیامبر اکرم (ص) که مهم‌ترین و بهترین آموزش‌ها و روش‌های تربیتی را در قوانین عملی اسلام برای مردم؛ ارزش و اهمیت استفاده از روش تدریجی در مسایل تربیتی و آموزشی را نشان می‌دهد و بر آن تأکید می‌ورزد. بنابراین توجه به روش تدریجی در تعلیم و تربیت، بدین معنی نیست که در مراحل آغازین و سطوح پایین‌تر می‌توان از آموزش‌ها و استدلال‌های غلط و یا مساوی تربیتی بی‌پایه و سست پایه، استفاده کرد. به کارگیری روش تدریجی در تعلیم و تربیت، تنها در قلمرو استدلال برهان‌ها نیست، بلکه در نوع مطالب و اعمال نیز صادق است. مثلاً آیا آموزش مطلب عرفانی دقیق و فلسفی عمیق و واداشتن به انجام کارهای اخلاقی پسندیده مهم؛ مانند خواندن نماز شب، برای نوجوانانی که به این حد از درک و عمل نرسیده‌اند، رواست؟ در تعلیم و تربیت تدریجی حتماً باید سطح فکر، قدرت فهم و شرایط علمی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی فراگیران و فرزندان را در نظر داشت؛ شاید به همین دلیل بوده است که معصومان ما علیهم السلام به سؤال مشترک مانند «افضل الاعمال» برترین کارها، از سوی افراد گوناگون پاسخ‌های گوناگونی داده‌اند.

۶. روش تربیت غیرمستقیم: گاهی می‌توان روش‌های مطلوب تربیتی را در دو نوع مستقیم و غیرمستقیم بحث کرد که با توجه به ویژگی‌های متریان، شرایط زمان و مکان، تربیت و جز آن، گاه روش مستقیم و گاه روش غیرمستقیم در تربیت مؤثرتر است، و این چنین نیست که هر روش غیرمستقیم کارسازتر باشد. از همین رو، خداوند متعال در قرآن کریم مواردی، از روش‌ها و خطاب‌های مستقیم و صریح؛ مانند یا ایها الکافرون؛ یا ایها الناس و یا ایها الذین آمنوا؛ استفاده کرده است. در موارد دیگر نیز روش‌ها و خطاب‌های غیرمستقیم را به کار برده و به حضرت عیسی علیه السلام فرموده است: ای عیسی پسر مریم! آیا تو به مردم گفتی که من و مادرم را هم چون دو خدا به جای خداوند بپرستید؟ بنابراین در این آیه شریفه به روشنی می‌بینیم که خداوند بزرگ مستقیماً به حضرت عیسی علیه السلام خطاب می‌کند، اما به‌طور غیرمستقیم می‌خواهد به پیروان حضرت عیسی علیه السلام بگوید که اعتقاد آنان به خدا بودن حضرت عیسی علیه السلام و حضرت مریم علیهما السلام شرک و باطل است. بنابراین آموزش غیرمستقیم وضو به پیرمرد از سوی امام حسن و امام حسین علیهما السلام و تأکید فراوان روان‌شناسان بر این روش، و گفته‌هایی؛ هم چون الکنایه ابلغ من التصریح، کنایه و غیرمستقیم گویی از صراحت و مستقیم گویی رساتر است. با به کارگیری روش غیرمستقیم در تعلیم

و تربیت تأکید می‌ورزد. استفاده از شعر، قصه، خاطره، شرح حال دیگران، معما، فیلم، نمایش و مانند آن می‌توانند از مصادیق روش‌های غیرمستقیم تربیتی به شمار آیند. نتیجه‌گیری از مطالب مطرح شده در روش‌های غیرمستقیم، به عهده خود مخاطبان و فراگیران قرار داده شود. گاه مربیان و پدران و مادران می‌توانند مسایل تربیتی را به صورت غیرمستقیم و به وسیله اشخاص دیگری و نه به وسیله خودشان، به فراگیران آموزش انتقال دهند (احسانی، ۱۳۹۰، ۸۰).

۷. **روش تربیت عملی:** یکی از مهم‌ترین روش‌های مطلوب تربیتی روش عملی است. خدای بزرگ در قرآن کریم می‌فرماید: آیا مردم را به کار نیک فرمان می‌دهید و حال آن که خویشتان را فراموش می‌کنید. همچنین امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: مردم را با اعمالتان، نه فقط با زبان‌هایتان، به سوی خدا فرا بخوانید. طبق آماری که روان‌شناسان ارائه داده‌اند حدود ۷۳ درصد یادگیری از راه چشم بوده و فقط ۱۳ درصد از راه گوش انجام می‌شود. پس، عمل و رفتار مربی که زیر ذره‌بین متری است، می‌تواند تأثیر ژرف و شگرفی در تعلیم و تربیت مهدوی او داشته باشد؛ زیرا متری گفته‌های مربی را پیش از آن که بخواند از وی بشنود، می‌خواهد در اعمال و رفتار او ببیند و این درس بزرگی است که مربی خود فرا می‌گیرد. از سوی دیگر، اگر مربیان بین گفتار و رفتار مربیان تناقض و تعارض مشاهده کنند، همین امر باعث می‌شود تا نسبت به همه گفته‌ها و نظام فکری - عملی مربیان بی‌اعتماد گردند و در نتیجه در نظام فکری - عملی خود نیز دچار اختلال سر درگمی شوند. اصولاً باید توجه شود که پیروزی، یا شکست یک دین و یا یک مکتب غالباً در گرو اعمال و رفتار گروندگان به آن است تا آموزش‌های نظری آنان. به همین دلیل، معمولاً کسانی که با خود دین مخالفت دارند، اندک هستند و این اعمال و کردار دین‌گرایان است که موجب بی‌رغبتی آنان نسبت به آن دین می‌شود. در نتیجه برای این که ارزش‌های مکتب مهدویت در دانش‌آموزان ایجاد و تثبیت شود باید مربیانی معتقد به اصول و آموزه‌های مهدوی در مراکز آموزشی و پرورشی به کار گرفته شوند.

بحث و نتیجه‌گیری

آموزه مهدویت در طول تاریخ فرهنگ اسلامی همواره مورد توجه دانشمندان مسلمان بوده و هیچ آموزه دیگری به اندازه آن اهمیت نداشته؛ اما به رغم این اهمیت متأسفانه به مثابه تئوری و راهکاری مهم مورد توجه و دقت نظر قرار نگرفته است. از این رو بر اندیشمندان و فرهیختگان است که در

این باره به ژرف اندیشی و فرهنگ سازی پردازند تا به شایستگی آنگونه که در متون دینی سفارش شده است، به مهدویت توجه شود (شاکری زواردهی، ۱۴۰۲، ۱۰) مهدویت و تربیت از دو منظر دارای ارتباطی نزدیک و عمیق با یکدیگر می‌باشند: از یک سو، تربیت صحیح و پرورش نیروهای معتقد به مهدویت زمینه تسریع قیام امام زمان را فراهم می‌آورد و از سوی دیگر براساس روایات منقول از پیامبر با ظهور مهدی (ج) تربیت الهی و معنوی به بالاترین سطح خود می‌رسد (احسانی، ۱۳۹۰، ۷۶). در این پژوهش پژوهشگر به دنبال استخراج اصول و روش‌های تربیت مهدوی و تبیین ویژگی‌های آن در مراکز آموزشی و پرورشی بود که برای دستیابی به این هدف، از روش پدیدارشناسی به منظور بررسی تجربه تدریس استادان استفاده شد. نتایج حاصل از تحلیل مصاحبه‌ها، دو مقوله اصلی و کلی (اصول تعلیم و تربیت مهدوی و روش‌های تعلیم و تربیت مهدوی) و ۱۵ مقوله فرعی (اصل توحید محوری و اصل تعقل، اصل عزت، اصل اعتدال، اصل متربی محوری، اصل محبت محوری، اصل نظارت مداری و روش تربیت تقلیدی، روش تربیت تلقینی، روش تربیت تدریجی، روش تربیت غیرمستقیم، روش تربیت الگویی روش تربیت عملی و روش ابتلا و امتحان) را به دست داد که با نتایج پژوهش میرجلیلی (۱۴۰۰) که عقل محوری، توحید محوری و محبت محوری را جزو مؤلفه‌های تربیت مهدوی بیان می‌کند، مطابقت دارد. همچنین، با یافته‌های شریف‌زاده و قاضی (۱۳۹۳) که اصول تربیت بر مبنای تفکر مهدویت را اصل توحید، عزت، اعتدال و رعایت تفاوت‌های فردی و روش‌های تربیت تفکر مهدوی را روش الگویی و روش ابتلا و امتحان استخراج کرده‌اند، همسو است. یافته‌های پژوهش حاضر با یافته‌های دیگر پژوهشگران نیز که یکی از اصول مهدوی را اصل معنابخشی و هویت‌بخشی عنوان کردند که اشاره به اصل توحید محوری دارد (عواطفی، ۱۴۰۲)، به اصل کرامت و تفرد انسان و روش الگویی اشاره کرده‌اند (وردی و بیدختی، ۱۳۹۹)، اصل محبت محوری و روش الگویی را در تربیت کودکان استخراج کردند (داداش‌زاده و نوبری، ۱۴۰۲)، یکی از موضوعات مهم عصر غیبت را ابتلا و امتحان ذکر کردند (کامیاب، ۱۴۰۳)، و اصل عقلانیت را به عنوان یکی از اصول تربیتی عصر مهدوی ذکر نمودند (خوش‌باور و یعقوبی، ۱۴۰۳)، مطابقت دارد.

شایان ذکر است که هر چند مصاحبه کیفی با نمونه محدودی از مشارکت‌کنندگان، نمی‌تواند نتایج قابل تعمیمی را به لحاظ آماری در برداشته باشد، اما می‌تواند لایه‌های پنهان و عموماً مغفول مانده

در این حوزه را بیشتر آشکار نماید. با توجه به آنچه ذکر شد، می‌توان گفت که تعلیم و تربیت در جامعه منتظر، باید بر پایه تعلیم و تربیت مهدوی شکل گیرد؛ یعنی خاستگاه آن الهی و مهم‌ترین رویکرد آن، اعتلای کلمه توحید باشد. تربیتی که بر پایه تعلیم درست دینی صورت گیرد و سمت و سوی الهی و متعالی داشته باشد، به یقین تأثیرگذار و نقش آفرین خواهد بود. بدیهی است متصدیان تربیتی، باید چنین اصول و روش‌هایی را سرلوحه برنامه‌های خود قرار دهند تا شاهد شکوفایی استعدادها و وجودی متریان باشند.

از محدودیت‌های پژوهش حاضر که در همه انواع پژوهش‌های کیفی به چشم می‌خورد این است که تعمیم‌پذیری در یافته‌های پژوهش کیفی کمتر مطرح می‌شود. نسخه‌هایی که از این نوع پژوهش بیرون می‌آید بیشتر می‌تواند پاسخ‌گوی نیاز مورد مشخص باشد. از جمله پیشنهادها و کاربردی این پژوهش به این شرح است:

- برگزاری دوره‌های آموزش ضمن خدمت برای آشنایی معلمان و مدرسان دانشگاه با روش‌های تربیت مهدوی.
- بازبینی و تجدیدنظر در برنامه‌های درسی مقاطع گوناگون به منظور پیاده‌سازی اصول و روش‌های تربیت مهدوی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و همچنین آموزش عالی.

منابع

- قرآن کریم.
نهج البلاغه.
اباذری، محمود (۱۳۸۳). مهدویت در اندیشه متفکر شهید مرتضی مطهری. *انتظار موعود*، ۴(۱۲-۱۱)، ۳۸۶-۳۷۳.
احسانی، محمد. (۱۳۹۰). زمینه‌سازی تربیتی مهدویت. *ماهنامه معرفت*، ۲۰(۱۶۰)، ۷۳-۹۶.
انصاری، مریم و قلمکاریان، سیدمحمد. (۱۴۰۱). نقش تربیت مهدوی در پرورش روحیه انتظار دانش‌آموزان از نظر معلمان. *عصر آدینه*، ۱۵(۳۶)، ۱۳۴.
آقاتهرانی، مرتضی و حیدری کاشانی، محمدباقر. (۱۳۹۱). *خانواده و تربیت مهدوی*. تهران: اتود.
بازرگان، عباس هرندی. (۱۳۹۸). *مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته: رویکردهای متداول در علوم رفتاری*. تهران: دیدار.
بقایی، حسین، مهماندوست، حمید، قهرمانی فرد، فاضل و قهرمانی فرد، کامیار. (۱۳۹۲). الگوی مفهومی- عملیاتی راه‌اندازی راهبردهای تربیت مهدوی در نظام آموزشی کشور. *مشرق موعود*، ۷(۲۶)، ۱۶۵-۱۸۹.
پیروزفر، سهیلا. (۱۳۷۸). ابتلا در قرآن و حدیث. *مطالعات اسلامی*، ۴۴(۴۴)، ۸۹-۱۲۸.
جعفری‌هرندی، رضا و نجفی، حسن. (۱۳۹۲). بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های مهدویت در محتوای برنامه درسی دوره متوسطه ایران. *مشرق موعود*، ۲۸، ۵۷-۶۸.
جوادی‌آملی، عبدالله. (۱۳۸۸). *تفسیر موضوعی قرآن کریم*. قم: مرکز نشر اسراء.
حاج باقری، محسن، پرویزی، سرور و صلصالی، مهوش. (۱۳۹۴). *روش‌های تحقیق کیفی*. تهران: بشری.
خوش‌باور، داود و یعقوبی، حسن. (۱۴۰۳). جایگاه و اثربخشی معنویت و عقلانیت در دکترین مهدویت. *عصر آدینه*، ۱۷(۳۹)، ۹۳.
داداش‌زاده، داود و جلالی‌نوبری، حسین. (۱۴۰۲). ضرورت تربیت مهدوی کودکان بر اساس آموزه‌های دینی مهدویت. *پژوهش و مطالعات علوم اسلامی*، ۵(۵۴)، ۱-۱۲.

- دلشاد تهرانی، مصطفی. (۱۳۸۷). *سیری در تربیت اسلامی*. تهران: انتشارات ذکر.
- رشیدپور، مجید. (۱۳۸۵). *پرورش‌های اخلاقی و روش‌های تربیتی*. تهران: انجمن اولیاء و مربیان.
- زرقانی، اعظم. (۱۳۹۹). *مهدویت در آینه تربیت*. پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۴۶، ۵۲-۳۱.
- زهره کاشانی، علی اکبر. (۱۳۸۸). *اصول تربیت دینی از منظر آیات و روایات*. اسلام و پژوهش‌های تربیتی، ۲، ۱۶۹-۲۰۲.
- سبحانی‌نژاد، مهدی، فقیهی، علینقی و نجفی، حسن. (۱۳۹۴). *تجربه زیسته متخصصین تعلیم و تربیت از راهکارهای گسترش رفتار اخلاقی زمینه‌ساز ظهور در برنامه‌های درسی دانشگاهی*. پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۲۶، ۳۷-۵۷.
- سبحانی، علیرضا. (۱۳۹۰). *اسوه‌ها و الگوها در قرآن*. ماهنامه *درسهایی از مکتب اسلام*، ۶۰۲، ۵۷-۶۰.
- سرمدی، محمدرضا و عباس شکاری، عباس محمدی. (۱۳۹۲). *مکاتب فلسفی و آرای تربیتی*. انتشارات دانشگاه پیام نور.
- شاکری زواردهی، روح‌الله. (۱۴۰۲). *بررسی کارکردهای فرهنگی آموزه مهدویت با تأکید بر فرصت‌ها و تهدیدها*. *انتظار موعود*، ۲۳(۸۳)، ۵-۲۹.
- شریف‌زاده، حکیمه‌السادات و قاضی، مرضیه. (۱۳۹۳). *مهدویت و دلالت‌های تربیتی آن (به لحاظ تنظیم اهداف، اصول و روش‌ها)*. *مجله پژوهش‌های تعلیم و تربیت اسلامی*، ۶(۱۰)، ۱۰۱-۱۲۸.
- صالح‌زاده، رضا و اسماعیلی، علی. (۱۴۰۱). *پژوهشی در تدوین سند جامع توسعه فرهنگ مهدویت و انتظار*. *انتظار موعود*، ۲۲(۷۹)، ۲۶-۵۲.
- صالحی، کیوان و بازرگان، عباس و صادقی، ناهید و شکوهی، محسن. (۱۳۹۴). *بازنمایی ادراکات و تجارب زیسته معلمان از آسیب‌های احتمالی ناشی از اجرای برنامه ارزشیابی توصیفی در مدارس ابتدایی*. *مطالعات اندازه‌گیری و ارزشیابی آموزشی*، ۵(۹)، ۹۵-۹۹.
- صالحی، غلامرضا. (۱۳۸۶). *مهدویت و اصول نظام تربیتی*. *مشرق موعود*، ۱(۴)، ۱۵۳-۱۷۲.
- علیرضا اعرافی، محمد بهشتی، علی‌نقی فقیهی، مهدی ابوجعفری. (۱۳۹۶). *درآمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی: اهداف تربیت از دیدگاه اسلام (چاپ سیزدهم)*. تهران: سمت.

عواطفی، زهرا. (۱۴۰۲). توسعه فضیلت‌مندی در نظام آموزشی و پرورشی مبتنی بر آموزه‌های مهدوی. *انتظار موعود*، ۲۳(۸۲)، ۵۱-۷۸.

فروزنده دهکردی، لطف اهلل، بهمنی، اکبر، صفیان، مهدی و امیری، محمدهاشم. (۱۳۹۰). شناسایی عوامل موثر بر استقرار حکومت مهدوی بر اساس رویکرد استراتژیک. *مشرق موعود*، ۱۹، ۱۲۹-۱۰۳.

فرهادیان، رضا. (۱۳۷۵). *پایه‌های اساسی ساختار شخصیت انسان در تعلیم و تربیت*. قم: نشر مؤلف. قاسمی‌نژاد، زهرا و لک‌زایی، صغری. (۱۳۸۹). امام رضا و تربیت نسل منتظر. *انتظار موعود*، ۳۳، ۱۳۰-۱۶۰.

کامیاب، مسلم. (۱۴۰۳). بررسی و تحلیل محتوایی روایات مهدوی قرب الاسناد عبدالله بن جعفر حمیری. *انتظار موعود*، ۲۴(۸۴)، ۷۵-۱۰۰.

مجلسی، محمدباقر. (۱۳۸۶). *بحار الانوار*. مکتبه الاسلامیه.

مرزوقی، رحمت الله. (۱۳۹۸). سیمای مهدویت در برنامه‌های آموزشی مدارس: رویکردی به فلسفه تربیتی انتظار. *تربیت اسلامی*، ۳(۷)، ۱۲۷-۱۳۷.

مطهری، مرتضی. (۱۳۹۵). *بیست گفتار*. تهران: صدرا.

میرجلیلی، سید محمدعلی. (۱۴۰۰). واکاوی مؤلفه‌های تربیت مهدوی در اندیشه استاد مرتضی مطهری. *فصلنامه علمی - پژوهشی انتظار موعود*، ۲۱(۷۴)، ۷۱-۹۶.

وردی، حمیدرضا و بیدختی، فاطمه. (۱۳۹۹). واکاوی اصول و روش‌های تعلیم و تربیت اسلامی مبتنی بر قرآن و احادیث در اندیشه‌های مولانا در مثنوی معنوی. *پژوهش در آموزش معارف و تربیت اسلامی*، ۱(۱)، ۸۵-۱۱۸.

هاشمی شهیدی، سید اسدالله. (۱۳۸۴). *ظهور مهدی از دیدگاه مذاهب و ملل جهان*. قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران.